در نشست رونمایی کتاب «عطر عربی» عنوان شد

ادبیات جنگ ادبیات ملال نیست

■ **جواد محرمی**

مصطفی جمشیدی می‌گوید ادبیات جنگ ادبیات ملال نیست. زندگی عادی و روزمره انسان‌ها ملال‌انگیز است و هیچ اتفاق و خیزشی در آن نخواهیم داشت ولی در ادبیات دفاع مقدس ایستایی نداریم.

سومین نشست «رصد صبح» همزمان با دومین سالروز شهادت سردار حسین همدانی به رونمایی و نقد کتاب «عطر عربی» اختصاص یافت؛ این اثر شامل ۱۴ داستان کوتاه از ۱۴ نویسنده با انتخاب مرحوم فیروز زنوزی جلالی با موضع مدافعان حرم است و با حضور مصطفی جمشیدی، علی محمد مودب، علی اصغر عزتی پاک و میلاد عرفان‌پور، کارشناسان و منتقدان ادبی عصرگاه شنبه ۱۵ مهر نقد و بررسی شد.

■ در عرصه ادبیات مدافعان حرم بسیار کمرنگ ظاهر شدیم

مصطفی جمشیدی، نویسنده و کارشناس ادبی در ابتدای این نشست یاد سردار حسین همدانی را گرامی داشت و همچنین فیروز جلالی را که جمع‌آوری و تأیید این داستان‌ها را به عهده داشت.

جمشیدی از تفاوت ادبیات غرب در حوزه جنگ و ادبیات ما در حوزه دفاع مقدس گفت: در غرب در وجه کشتار جنگ و خون و خونریزی آن بسیار غلو می‌شود و پیروزی‌ها و فتح‌های آن ولی در ادبیات دفاع مقدس و در پی آن حوزه جدید ادبیات مدافعان حرم، کشتار ارزش نیست و چیزی که ارزش دارد وجه انسانی و نگاه به انسان مظلوم است که مطرح می‌شود. ادبیات جنگ ادبیات ملال نیست. زندگی عادی و روزمره انسان‌ها ملال‌انگیز است و هیچ اتفاق و خیزشی در آن نخواهیم داشت ولی در ادبیات دفاع مقدس ایستایی نداریم.

جمشیدی درباره کتاب «عطر عربی» گفت: در این کتاب ملیت اثری ندارد و آشنایی‌زدایی اتفاق افتاده است، چون موقعیت قرارگیری اتفاقات خارج از وطن و کشور ماست. در جنگی شرکت کرده‌ایم که با عقل کوچک بعضی‌ها، جنگ ما نیست ولی منافع آن منافع ماست. راوی در لوکیشن خارجی به عنوان دانای کل حضور دارد. این منتقد افزود: هر واقعه‌ای تا به وضعیت نمایشی پایدار تبدیل نشود جاودانه نمی‌شود و این وظیفه ادبیات است.

نویسنده رمان سمندر در ادامه گفت: ادبیاتی که داریم و چیزی که در واقعیت اتفاق می‌افتد مکمل هم هستند و اگر ادبیات نباشد این اتفاق ناقص می‌ماند. ادبیات قسمتی از وظیفه‌اش کشف حقیقت است.

جمشیدی با انتقاد از کم توجهی مسئولان به موضوع آشنایی نویسنده‌ها از نزدیک با موقعیت اتفاق‌های افتاده در جنگ افزود: وقتی جنگی خارج از وطن اتفاق می‌افتد باید راهی باز شود تا نویسنده‌ها از نزدیک جنگ را ببینند و با جزئیات آن روبه‌رو شوند. در «عطر عربی» با موضوع دفاع و جنگ بسیار واقع‌بینانه برخورد می‌شود و دروغی در آن نیست و از تصنع به دور است. گزارش‌ها بی‌طرفانه است و از سوی دانای کل مطرح می‌شود. تأثیربرانگیز است که پدیده‌هایی به این حد شگرف داشته باشیم ولی در آثار ادبی ما اینقدر کمرنگ ظاهر شوند.

■ اجازه ندادند نویسنده‌ها از نزدیک واقعه را لمس کنند

علی محمد مؤدب، مدیر مجموعه شهرستان ادب، ناشر کتاب «عطر عربی» گفت: ادبیات جایی است که انسان خطر می‌کند و به دیدار خود می‌رود. یکی از دلایلی که انسان در دوره حاضر ملال دارد این است که شجاعت ندارد. وقتی به دیدار خود نمی‌رویم و با خودمان روبه‌رو نمی‌شویم گرفتار ملال و ناامیدی می‌شویم که این مستلزم داشتن شجاعت است. آدم‌های بی‌تصمیم در این نبرد بین خیر و شر نمی‌توانند انتخاب کنند. ملالی که دیده می‌شود از بی‌تصمیمی و بی‌ارادگی خودمان است.

وی در ادامه افزود: ادبیات جنگ جایی است که انسان به دیدار خود می‌رود. می‌تواند شورانگیز و مهیج باشد و به قدر کافی کشش دارد. ادبیات جنگ قصه آدم‌هایی است که تصمیم می‌گیرند و به استقبال خطر می‌روند و حادثه می‌آفرینند. ما در منطقه‌ای قرار داریم که جنگ در آن جولان می‌دهد و نویسندگانی که نترسیدند و به آتش جنگ نزدیک شدند و سراغ موضوع آن رفتند به قدر دلاوری و شجاعت خودشان موفق شدند.

مودب درباره داستان‌های مجموعه گفت: در تک‌تک قصه‌ها می‌توان تقابل مرگ و زندگی را حس کرد. کاش هنرمندان از این فرصت استفاده و ملال روزمرگی خود را در این تجربه ادبی برطرف کنند.

مودب در ادامه افزود: حماسه، نیاز انسان زمان ماست نه به دلیل وجوه سیاسی خودش بلکه با توجه به وجوه معرفتی و شناختی. در داستان‌های «عطر عربی» درگیری‌ها و چالش‌های جدی وجود دارد و به خاطر خودشناسی خودمان باید آن را جدی بگیریم. با این داستان‌ها می‌توانیم از روزمرگی بگریزیم. انسان‌ها در حالت عادی دوست دارند سوت زنان از کنار وقایع بگذرند و حوادث عالم اجازه نمی‌دهد خود را کنار بکشیم. کشمکش حق و باطل را نمی‌توان نادیده گرفت.

این شاعر و منتقد نیز به عدم حضور نویسندگان در صحنه نبرد انتقاد داشت و گفت: با وجود تمام پیگیری‌ها باز هم امکان حضور پیدا نشد و نویسنده‌ها از طریق تحقیق و مطالعه به این اثر دست یافتند و اگر می‌توانستند از نزدیک درک کنند موقعیت‌های مناسب‌تری می‌یافتند. نوشتن اصیل بعد از مشاهده واقعه است. باید حواسمان باشد که اگر حوادث واقعی ثبت نشوند بعدها به مشکل می‌خوریم مانند اتفاقی که در بوسنی پیش آمد.

شعر آیینی قله ادبیات فارسی خواهد شد

روزهای طلایی برای شعر آیینی

برخی از کارشناسان بر این باورند که انقلاب اسلامی زمینه احیای برخی از ظرفیت‌های ادبی در شعر آیینی را فراهم کرده است. به اعتقاد این کارشناسان، اگرچه هنوز این حوزه نیازمند نقد و بررسی است، اما به نظر می‌رسد جزو قله‌های ادبیات فارسی شود.

انقلاب اسلامی محملی برای عرضه هنر در قالب‌های جدید شد. در این میان، سهم ادبیات در تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و بالنده‌تر شدن در این دوره پیش و بیش از دیگر رشته‌های هنری محسوب می‌شود. از جمله حوزه‌های درخشان و پرثمر ادبی در دهه‌های اخیر، حوزه شعر آیینی است که امروزه مخاطبان بسیاری دارد.

شعر آیینی امروزه در قالب شعر هیئت تریبونی برای بیان ارزش‌های دینی و انقلابی است. حرکت گام به گام شعر آیینی در گذر زمان طی سال‌های گذشته و گاه همراه شدن با ذائقه مردم و پسند اجتماع، به یکی از پرمخاطب‌ترین حوزه‌های ادبی کشور تبدیل شده است؛ به طوری که شاید نتوان حوزه ادبی دیگری را با این حجم مخاطب در نظر گرفت. تنها در دهه محرم، میلیون‌ها نفر مخاطب اشعاری می‌شوند که از وجه و بعدی به یکی از آیین‌های مذهبی نگریسته است؛ از این رو برخی از کارشناسان ادبی بر این باورند که ادبیات آیینی در آینده می‌تواند به عنوان یکی از قله‌های ادبیات به ویژه در دوره انقلاب اسلامی معرفی شود.

محمدرضا سنگری، پژوهشگر، در جلد نخست مجموعه «از نتایج سحر» در این‌باره می‌نویسد: «یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های پیش‌روی شعر آیینی محفلی، تکیه کردن بر «پسند و سطح فهم و ذوق مخاطب» است. مخاطب‌های عام و متوسط، که بخش عمده شرکت‌کنندگان در محافل و مجالس را تشکیل می‌دهند، گاه شاعر یا خواننده شعر را وامی‌دارند که به سروده‌هایی متوسط روی آورند. خواندن شعرهای متوسط و ضعیف در این‌گونه محافل باعث شده است برخی شعر آیینی را شعر درجه دوم تلقی یا در ارزش شعر آیینی و حتی شعر بودن آن تردید کنند. این اتهام سبب می‌شود «معیار» ارزش‌یابی شعر آیینی را سروده‌های متوسط و ضعیف قرار دهند. حضور شاعران شاخص و وفور نمونه‌های تراز بالای شعر آیینی و سروده‌های درخشان سوگ و سور در سال‌های اخیر و نیز استفاده ذاکران و مداحان از سروده‌های شاخص و فاخر در روزگار ما به‌تدریج این انگاره و ذهنیت را متزلزل ساخته است و دفترهای شعر آیینی، که شاعران موفق و توانا در دهه ۷۰ و ۸۰ خلق کرده‌اند، تصویر و تصوری نو از شعر آیینی به ذهن‌ها بخشیده است.»

سنگری در ادامه به رویش‌های شعر آیینی در دوره انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که برخی از ظرفیت‌های ادبی در این دوره در شعر آیینی احیا شده است: «در چند دهه اخیر، گاه مجموعه شعرهای آیینی مستقل ـ در سوگ و سور ـ عرضه شده است که نه‌تنها اقبال شاعران آیینی به قالب‌های نو را نشان می‌دهد، که گواه امکان استخدام همه ظرفیت‌ها برای سروده‌های آیینی است. از آن جمله است خط خون و در سایه‌سار نخل ولایت از سیدعلی موسوی گرمارودی و گنجشک و جبرئیل از سیدحسن حسینی.

برخی ظرفیت‌ها که در گذشته شعری کمتر در شعر آیینی مورد استفاده بوده‌اند، در عصر انقلاب احیا و با نگاه و گاه پرداختی نو عرضه‌گاه سروده‌هایی زیبا و مانا در قلمرو شعر آیینی شدند که قالب‌های خوش‌آهنگ رباعی و دوبیتی از آن جمله‌اند. مجموعه‌های رباعی و دوبیتی که یکسره به موضوعات آیینی اختصاص دارند، در این دوره، به‌ویژه در دهه ۸۰ فراوان است. نوآوری در فرم شعر از دیگر خلاقیت‌های شعری در حوزه شعر آیینی است که پیش از این، در مبحث نوآوری شعر انقلاب بدان پرداخته شد.»

روایت مرادی کرمانی از مصائب و دست‌اندازهای جهانی‌شدن ادبیات کودک ایران

مخاطب‌شناس نیستیم

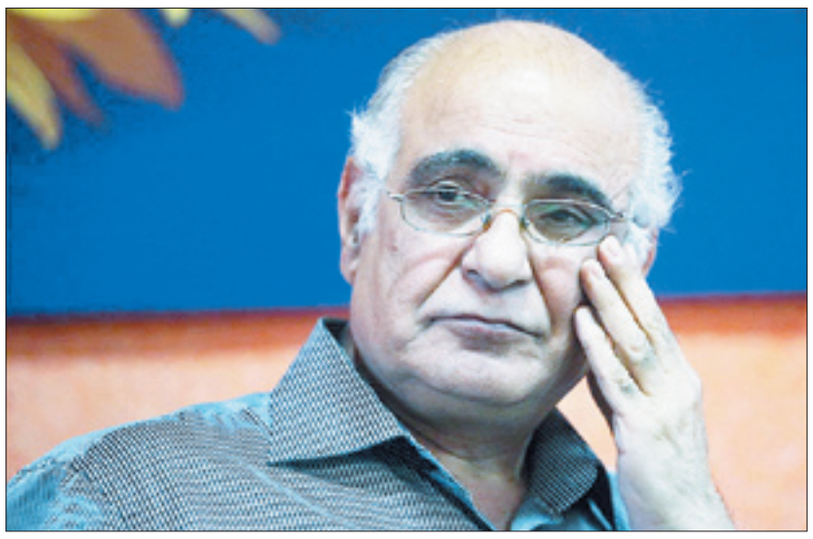

■ **فرزین ماندگار**

نویسنده «قصه‌های مجید» همزمان با روز جهانی کودک و نوجوان از مصائب و دست‌اندازهای جهانی‌شدن ادبیات کودک ایران و لزوم تغییر نگاه نویسندگان ایرانی می‌گوید.

۱۶ مهر برابر با ۱۸ اکتبر روز جهانی کودک نام دارد. کشورهای جهان روزهای کودک مختلفی برای خود دارند، اما روز جهانی کودک را خود بچه‌ها به وجود آورده‌اند. به این معنا که در سال ۱۹۸۶، دو نفر از دانش‌آموزان ۹ ساله مدرسه آتاتوری در نیویورک با نگارش نامه‌ای از همه بچه‌های دنیا خواستند که با هم روزی را به صلح اختصاص دهند.

در پیام یکی از آنها آمده بود: «بزرگ‌ترهای ما عقاید ثابتی دارند. آنها ما را دوست دارند چون بچه‌هایشان هستیم اما آیا آنها می‌دانند که چه دنیایی را برای ما به‌وجود می‌آورند. اگر کمترین اشتباهی در ماشین هسته‌ای آنها رخ دهد ما هرگز شانسی برای رشد نخواهیم یافت. ما امکانی برای رشد و پرورش می‌خواهیم.» کودکان در روز جهانی کودک می‌خواهند این تضاد را یادآور شوند. آیا ادبیات می‌تواند مرهمی برای التیام این کودکان باشد؟

■ نویسندگان امروز کودکان و نوجوانان را نمی‌شناسند

همزمان با روز جهانی کودک گفت‌وگویی با هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده ایرانی و نامزد جایزه هانس کریستین اندرسن که به نوبل ادبیات کودک هم معروف است، انجام دادیم که در پاسخ به این سؤال خبرنگار مهر که مهم‌ترین معضل ادبیات کودک در سال‌های اخیر چیست، می‌گوید: واقعیت ماجرا این است که نویسندگان ما کودک و نوجوان امروز را نمی‌شناسند. آنها به مرور خاطرات خود می‌پردازند. آخر خاطره‌نویسی برای چند درصد بچه‌ها جالب و خواندنی است؟ از سوی دیگر، بیشتر کارهای ما سفارشی است و مشخص نیست چه تعداد از این کارها با بچه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. اصلاً داستانی که خلاقانه نیست و جنبه سفارشی دارد چگونه می‌تواند بر دل مخاطب بنشیند؟

نویسنده «شما که غریبه نیستید» در ادامه می‌گوید: سفارشی بودن اغلب داستان‌هایی که امروز نوشته می‌شود، به این معنا نیست که فقط به موضوعات مذهبی یا سیاسی می‌پردازند، بلکه پرداختن به مسائل ناسیونالیستی و مباحثی که صرفاً در درون کشور موضوعیت دارد هم درشمار داستان‌های سفارشی به حساب می‌آیند. آثاری که برخی نویسندگان ما می‌نویسند و منتشر می‌کنند تاریخ مصرف دارند و شبیه به روزنامه یا مجله هستند و کمتر نویسنده‌ای است که به موضوعات ازلی و ابدی بپردازد.

■ قصه‌نویسی برای کودکان ایرانی مهاجر

به گفته مرادی کرمانی نزدیک به ۴ میلیون ایرانی در خارج از مرزهای این کشور زندگی می‌کنند و این مهاجران ایرانی، بچه‌هایی دارند که نمی‌توانند فارسی بخوانند و بنویسند. نویسنده «قصه‌های مجید» می‌گوید: لازم است که من نویسنده، طوری بنویسم که این نسل با فرهنگ، آداب و رسوم و سبک زندگی خود و پدران و مادرانش آشنا شود. به همین خاطر توجه به ادبیات عامیانه لازم و ضروری است.

وی معتقد است کتاب‌های داستانی که تاکنون به زبان‌های دیگر ترجمه شده یا راست افراطی بوده یا چپ افراطی و مصرف داخلی داشته است. به عبارتی نه نویسنده‌های ما نگاه جهانی داشته‌اند و نه متولیان فرهنگی‌مان آثار را به درستی انتخاب کرده‌اند. مسئله دیگری که وجود دارد این است که زبان فارسی، گستره جغرافیایی محدودتری را دربرمی‌گیرد و با زبانی چون انگلیسی قابل مقایسه نیست.

مرادی کرمانی در پاسخ به اینکه برخی معتقدند اگر ترجمه خوبی از آثار خالق «قصه‌های مجید» به زبان انگلیسی وجود داشت شاید او می‌توانست جایزه هانس کریستین اندرسن را از آن خود کند، می‌گوید: کسی که یک کتاب را به فرانسه، انگلیسی یا هر زبان دیگری ترجمه می‌کند، باید زبان مقصد، زبان مادری‌اش باشد و به آن زبان ابراز احساسات کند و خواب ببیند. ما در زبان فارسی می‌گوییم: «توقف وسایط نقلیه، اکیداً ممنوع است» در این جمله جز «است» همه واژه‌ها عربی است، اما هیچ عرب‌زبانی در هیچ کجای دنیا، معنی این جمله را درک نمی‌کند؛ پس برای ترجمه یک اثر باید روح آن کار را دریابیم و معنا و مفهوم را منتقل کنیم.

■ ایران برای همه جهانیان «مرز پرگهر» نیست

نویسنده «مربای شیرین» شناخت بازار جهانی را لازم و ضروری می‌داند و می‌گوید: همه مردم جهان، ایران را «مرز پرگهر» نمی‌دانند. همه مثل ما دچار مشکلات اقتصادی و طبقاتی نیستند یا اگر هم باشند، دلشان نمی‌خواهد با مسائلی از این دست درباره ایران آشنا شوند اما دلشان می‌خواهد با آداب و رسوم ما آشنا شوند.

به باور مرادی کرمانی سینمای ایران، بیشتر از ادبیات دیده شده؛ چون زبان سینما، زبان تصویر است و تصویر نیازی به ترجمه شدن ندارد. وی در همین راستا می‌گوید: البته نویسندگان ما نباید ناامید باشند. کتاب‌های ما کم‌کم دیده می‌شوند. ضمن اینکه ما در مقایسه با کشورهای پیرامون خود چون افغانستان، پاکستان، عراق حتی کشوری چون مصر که از ادبیات قدرتمندی برخوردار است وضعیت بهتری داریم. در هر حال، جرقه‌هایی زده شده اما همچنان تا رسیدن به آنجا که خواننده‌های خارجی به سراغ کتاب‌های ما و ترجمه‌های مختلف از آن بروند، همان‌گونه که ایرانی‌ها سراغ ترجمه‌های متفاوت از آثار فلان نویسنده خارجی می‌روند، فاصله زیادی باقی است.

مرادی کرمانی خود را نویسنده خوش‌شانسی می‌داند و می‌گوید: خارج از ایران، براساس هر کتابی که نوشته می‌شود، فیلم و پویانمایی می‌سازند اما در ایران چنین اتفاقی نمی‌افتد. من نویسنده خوش شانسی بودم که کارگردان‌هایی چون کیومرث پوراحمد و داریوش مهرجویی از قصه‌هایم بهره بردند و فیلم و مجموعه تلویزیونی ساختند.

او همچنین فیلمنامه را داستانی می‌داند که بتوان از آن عکس گرفت و بیان می‌کند: داستان باید حرکت داشته باشد. شخصیت‌ها باید کنش و واکنشی از خود نشان دهند. اما کمتر داستان ایرانی است که این‌گونه باشد. به قول سینمایی‌ها هیچ اکتی در آن نیست.

رسانه ملی برای تولیدکنندگان مد اسلامی آگهی رایگان پخش می‌کند

به‌دنبال جلسات کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور با مدیرکل بازرگانی صداوسیما، رسانه ملی به تولیدکنندگان برندهای مد و لباس اسلامی ایرانی آگهی رایگان اختصاص خواهد داد.

با تکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص نامگذاری سال ۹۶ به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» و لزوم حمایت رسانه ملی از تولیدکنندگان کالا و خدمات ایرانی، اداره کل بازرگانی صداوسیما، به اجرای طرح تشویقی رایگان جهت حمایت از واحدهای تولیدی و خدماتی اقدام کرده است. این طرح با عنوان طرح حمایت از کارگر ایرانی به تمامی کانون‌های مجری تبلیغات و مدیران صاحبان کالا و خدمات ابلاغ شده است. همچنین نظر به برپایی جلسات کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور با مدیر کل بازرگانی صداوسیما، قرار است رسانه ملی به پخش رایگان آگهی برای تولیدکنندگان و صاحبان برندهای مد و لباس اسلامی ایرانی اقدام کند.

در این طرح، نحوه اجرای تسهیلات تشویقی بر اساس ۷۰درصد در تلویزیون و ۳۰درصد در رادیو عنوان شده است. طرح مذکور شامل صاحبان کالا و خدمات همچون برندهای پوشاک است که کالای ایرانی تولید کرده و دارای ۱۰ نفر نیروی انسانی شاغل هستند.

اهتمام ویژه علامه طباطبایی به اقامه عزای امام حسین(ع)

مرحوم علامه طباطبایی اهتمام ویژه‌ای نسبت به عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و استماع روضه‌های کربلا، عاشورا و محرم داشت و پیوسته در طول سال در مجالس روضه‌خوانی شرکت می‌کرد.

مرتضی نجفی قدسی مدیر دارالقرآن علامه طباطبایی در مراسم سوگواری و عزای امام حسین(ع) که در بیت علامه طباطبایی برگزار شد، با بیان اینکه صاحب تفسیر ارزشمند المیزان از عاشقان دلباخته اهل بیت(ع) بود، گفت: بزرگانِ علما و شخصیت‌های برجسته علمی و دینی همانند مرحوم علامه طباطبایی نسبت به برنامه‌های عزاداری و مرثیه سرایی حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) اهتمام ویژه داشتند.

وی ابتدا به بیان خاطره حجت‌الاسلام والمسلمین نظری منفرد از اساتید سطوح عالی و از وعاظ ارزشمند حوزه از مرحوم علامه طباطبایی پرداخت و افزود: این مدرس حوزه نقل می‌کرد «حدود ۴۵ سال قبل، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی در ایام محرم در مسجد اعظم شب‌ها روضه می‌گرفتند و بنده به منبر می‌رفتم و مرحوم علامه طباطبایی(ره) هم گاهی تشریف می‌آوردند و در این روضه شرکت می‌کردند، یک شب پیش از آنکه به منبر بروم و در حالی که در محضر علامه طباطبایی بودیم، مرحوم آیت‌الله آملی به بنده گفتند می‌دانید چرا حضرت علامه طباطبایی در این جلسه تشریف می‌آورند؟ سپس ادامه دادند: ایشان علاقه‌مند به روضه‌خوانی هستند و شما تا می‌توانید در منبر روضه بخوانید.

مدیر دارالقرآن علامه طباطبایی در ادامه به خاطره دیگری اشاره کرد و گفت: مرحوم آیت‌الله وجدانی فخر(ره) نقل کرده‌اند که بعد از ظهر عاشورایی به قبرستان حاج شیخ (قبرستان نو) در قم رفته بودم که دیدم مرحوم علامه طباطبایی (قدس‌سره) در گوشه‌ای از قبرستان هستند، برای عرض ارادت نزدیک شدم و عرض سلام و ادب کردم و دیدم که ایشان خیلی غمگین و متأثر هستند و اشک می‌ریزند، سپس آن بزرگوار با سوز و گداز به من فرمودند: آقای وجدانی! می‌دانید امروز چه روزی است؟! عرض کردم: بله، امروز عاشوراست. ایشان فرمودند: می‌بینی که امروز همه دنیا، موجودات، آسمان، زمین و حتی جمادات در حال اشک خون ریختن و گریستن بر حضرت سیدالشهدا(ع) هستند؟!

متعجب شده و دانستم که ایشان خبر از حقایق هستی می‌دهند.

در همین حال ایشان خم شده و سنگی از زمین برداشته و آن را بسان سیبی با دست از وسط شکافتند و میان آن را به من نشان دادند و من با چشمان خود در میان سنگ خون دیدم! سپس مرحوم علامه طباطبایی(ره) فرمودند: امروز نه تنها جن و انس، بلکه جمادات نیز در عزای امام حسین(ع) می‌گریند. نجفی قدسی در ادامه سخنان خود به خاطره دیگری اشاره کرد و گفت: آیت‌الله علوی بروجردی نقل کردند روزی به اتفاق پدرم و مرحوم علامه مدّاح که از تهران آمده بود به دیدار حضرت علامه طباطبایی رفتیم و پس از صرف چای، علامه طباطبایی از آقای علّامه که مداحی می‌کردند، درخواست کردند روضه‌ای بخواند، او هم روضه حضرت علی اکبر(ع) را خواند و اشعار ایرج میرزا را در این زمینه می‌خواند و علامه هم استماع می‌کردند و متأثر بودند تا اینکه به این بیت رسید:

بعد از پسر دل پدر آماج تیر شد
آتش زدند لانه مرغ پریده را

علامه طباطبایی در اینجا فرمودند: اَعِد. یعنی دوباره بخوان و او دوباره این بیت را خواند، دوباره علامه فرمودند: اَعِد و تا چهار بار درخواست کردند که این بیت را دوباره بخواند و پس از اتمام روضه هم علامه در حالی که از شدت تأثر با دست به پای خود می‌زدند، این بیت را تکرار می‌کردند و آنگاه با حالی که شاید مخاطبشان ما هم نبودیم فرمودند: ای کاش ایرج میرزا این بیت شعر را به من می‌داد و من تفسیر المیزان را به او می‌دادم!

آیت‌الله علوی بروجردی می‌گوید: من در آن هنگام جوان و کنجکاو بودم و از این جمله ایشان تعجب کردم و گفتم آقا شما ایرج میرزا را می‌شناسید؟! او شاعر هزل سرایی است! ایشان فرمودند: بله می‌شناسم و دیوان ایشان را دارم، مع ذلک من حاضرم تفسیر المیزان را با این یک بیت عوض کنم و سپس ادامه دادند که من حتی توهم این معنا را ندارم که کسی این شعر را برای حضرت علی اکبر(ع) بگوید و فردای قیامت امام حسین(ع) در حق او بی‌تفاوت باشد. نجفی قدسی افزود: امروزه اهمیت تفسیر المیزان بر همگان روشن و مبرهن است و برترین تفسیر قرآن در عصر حاضر است و حتی حضرت آیت‌الله جوادی آملی فرمودند که این تفسیر تا قیامت باقی است و آنگاه می‌بینیم علامه طباطبایی(ره) چه عشق و ارادتی به ساحت اهل بیت و مخصوصاً حضرت سیدالشهدا(ع) دارند که حاضرند بهترین اثر علمی خود را با یک بیت شعر که بیانگر علاقه وافر حضرت امام حسین(ع) به فرزندشان علی اکبر است، عوض کنند. به امید آنکه امام حسین(ع) به ایشان عنایت بفرمایند و این سیره بزرگان برای همه ما الگو باشد که برای مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا و یاران دشت کربلا اهتمام جدی داشته باشیم در کنار فعالیت‌های علمی و حوزوی از روضه‌خوانی و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام.

فرهنگ نذری را دوباره از نو بفهمیم

حسن روانشید*

فرق است بین کسی که می‌تواند، اما انجام نمی‌دهد با دیگری که ضعیف و کم‌توان و بعضی وقت‌ها ناتوان است، اما با آخرین نیرو، سعی بر انجام کاری نیک دارد. بین این دو لغت بهترین متعلق به کسی است که سعی می‌کند قبل انجام هر کاری درست فکر کند و به نتیجه بهتر برسد. گروه سومی هم هستند که همه تلاش خود را بر انجام اعمال پسندیده پیاده می‌کنند که برای دیگران رجحان دارند. چه خوب بود ما هم ضمن کنار گذاشتن کلمه بی‌تفاوتی که می‌تواند از خصایص گروه اول این مجموعه باشد، می‌توانستیم از فرصت‌های ناب برای منزه کردن وجود خود از خصلت‌های ناپسند بهره‌مند شویم، اما نه اینکه تنها مرغ مقلدشده و از رفتار دیگران کپی‌برداری کنیم، بلکه توانایی خود را محک بزنیم و بدانیم همانگونه که شعار ضرب‌المثل است خدمتمان می‌تواند قدمی باشد یا قلمی یا رقمی! رقم زدن این فرمول در وجود یک انسان کار ساده‌ای است که البته هر کس به‌نوبه خود می‌تواند صاحب و مالک یکی از این خصایص قابل توزیع بین دیگران باشد، اگر نیت تظاهر و تفاخر در بین نباشد یا قصد چشم و هم‌چشمی و آتش مسابقه‌ای بی‌فرجام در ما شعله‌ور نشده باشد. آنچه بیش از همه می‌تواند یکی از اعضای این گروه را به انحراف بکشد، خارج شدن از اصل فلسفه مساعدت و همدلی با دیگر ابنای بشر است. هم‌اکنون بیش از ۱۶ میلیون از مردم مسلمان یمن در فقر مطلق به سر می‌برند که رنج و درد آنها برای هیچ‌یک از ما قابل تفسیر و تحمل نیست، زیرا گرسنگی مفرط همراه با بیماری‌های متعدد و مسری همچون وبا و طاعون و ناامنی از بمباران‌های متعدد و تجاوزات مرزی و ورود داعشیان فراری از مثلث ترکیه، عراق و سوریه که در بین کشورهای یمن، افغانستان، پاکستان و تعدادی نیز در لیبی پراکنده‌شده‌اند می‌تواند عظیم‌ترین هجمه فقر عمومی و سقوط را برای انحطاط یک کشور رقم بزند و امروز این اتفاق تأسف‌آور در یمن حادث‌شده است! بگذریم از اینکه در محدوده کره خاکی کشورهای زیادی هستند که به‌جز فقر اقتصادی از بیماری‌های اجتماعی هم رنج می‌برند، بنابراین کمک به رفع مشکلات و معضلات آنها تنها اجماع جهانی را می‌طلبد که به‌تنهایی از حیطه توان یک کشور خارج است. سازمان ملل متحد نیز آنقدر درگیر بن‌بست‌های سیاسی درون گروهی است که اصل وظیفه‌اش را به حاشیه برده، بنابراین آنچه باقی می‌ماند حضور خودجوش جوامع است تا جدا از سیاست‌بازی‌های یک‌طرفه زکات جان و مال و آرامش و آسایش خود را به تفکیک محاسبه و برای نجات این ملت‌ها هزینه کنند.

برای رسیدن به این منظور نهایی باید از صفر شروع و پایلوت‌هایی را انتخاب کرد، آنگاه به‌سوی گسترش آن در سطح دنیا رفت. در دهه اول ماه محرم و بخصوص در روزهای تاسوعا و عاشورا صدها تن مواد غذایی از جمله برنج، روغن، گوشت، حبوبات و تره‌بار صرف تهیه غذای نذری می‌شود که معادل ماه‌ها سهم تغذیه کشور است. اگر دستگاهی مسئول برای رسیدگی و نظارت به این قدم اسلامی-انسانی حضور داشت و نیمه‌های شب گشتی و گذری در شهرهای کوچک و بزرگ انجام می‌داد، متوجه می‌شد چه حجم عظیم مواد غذایی از سطح کوچه و خیابان و کیسه‌های زباله اماکن عمومی و منازل به ماشین‌های حمل پسماند سپرده می‌شود! این نتیجه بی‌برنامگی در یک عمل نیکو و پسندیده است که در باطن به نوعی کفران نعمت ختم می‌شود، در حالی که می‌تواند مدیریت شده تا سنت پسندیده نذر طی یک پروسه زمانی در طول سال انجام و در صورت امکان قسمت اعظمی از آن صرف تغذیه در کشورهایی همچون یمن شود که اقدام عاجل در این‌باره آثار زیانبار کفران نعمت را به صفر خواهد رساند.

***روزنامه‌نگار پیشکسوت**

رئیس حوزه هنری کودک بیان کرد

همه سازمان‌ها ۲۰ درصد بودجه خود را به کودکان اختصاص دهند

رئیس حوزه هنری کودک و نوجوان خواستار اختصاص ۲۰ درصد بودجه تمامی نهادها و سازمان‌های کشور به موضوع کودک و نوجوان شد.

مراسم رونمایی از هشت عنوان کتاب کودک و نوجوان که به همت حوزه هنری کودک و نوجوان و توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده با حضور جمعی از مسئولان و نویسندگان این عرصه از جمله فاضل‌نظری معاون هنری حوزه هنری، در حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم که با حضور قابل توجه کودکان و نوجوانان در محل تماشاخانه مهر برگزار شد، سید صادق رضایی، رئیس حوزه هنری کودک و نوجوان، با ارائه توضیحاتی درباره اعلامیه حقوق کودک سازمان ملل متحد گفت: همه روزهای سال روز کودک است؛ چرا که همه می‌خواهند به کودکان خدمت کنند ولی گاهی ما درگیر زندگی می‌شویم و فراموش می‌کنیم که زندگی ما با کودکان معنا پیدا می‌کند. وی ادامه داد: روز جهانی کودک در واقع روزی برای بزرگ‌ترهاست که به آنها تلنگری بزنیم تا بدانند که برای بچه‌ها کار می‌کنند و هر اثری قرار است تولید شود باید برای کودکان باشد و باید از دریچه چشم کودکان تولید گردد. این روز سمبلی است برای مسئولان تا توجه بیشتری به این عرصه نشان دهند و خود را با نیاز کودکان و نوجوانان سراسر عالم تطبیق دهند.